

سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی

مؤلف: صادق محمدی

پاییز ۹۵

سرشناسه	: محمدی، صادق، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور	: سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی / مولف صادق محمدی؛ ویراستار محبوبه رضاعلی
مشخصات نشر	: موسسه اندیشه کامیاب ایرانیان ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۳ص.
شابک	: 978-600-8546-80-1: ۲۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۴۷]-۱۷۳.
موضوع	: سرمایه اجتماعی
موضوع	: Social capital(Sociology)
موضوع	: مشارکت سیاسی
موضوع	: Political participation
رده بندی کنگ	: ۱۳۹۵ س. ۴/م ۳/۸ HM۷۰۸
رده بندی دیو	: ۳۰۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۲۵۲۴۷

عنوان کتاب	: سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی
ناشر	: موسسه فرهنگی انتشاراتی اندیشه کامیاب ایرانیان
دفتر انتشارات	: تهران - انقلاب - پیچ شمیران - خ نور محمدی - پلاک ۲۷- واحد ۱۲ - ۷۷۶۲۸ - Email:e_a_kamyab@yahoo.com
مولف	: صادق محمدی
ویراستار	: محبوبه رضاعلی
مدیر تولید	: موسسه آموزشی خوارزمی
صفحه آرا	: سید حمید احمدزاده - نگارنده قلب بها
طراح جلد	: امیر هاشمی
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	: اول، ۱۳۹۵
چاپ و صحافی	: موسسه آموزشی خوارزمی
ناظر چاپ	: مهندس پیمان عباد
قیمت	: ۲۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۴۶-۸۰-۱
ISBN: 978-600-8546-80-1

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۷
فصل اول	
مشارکت سیاسی.....	۱۳
فصل دوم	
رهیافت انتخاب عقلایی.....	۲۳
رهیافت بسیج.....	۲۸
رهیافت انگیزش عمومی.....	۳۲
حوزه مشارکت سیاسی.....	۳۳
سطوح مشارکت سیاسی.....	۳۸
فصل سوم	
تحلیل‌های فردگرایانه و راه‌شناسانه از مشارکت سیاسی.....	۴۶
تبیین منطق اجتماعی - بالیندهی سیاسی.....	۴۹
رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی.....	۵۵
بنیان‌های سرمایه اجتماعی.....	۵۹
فصل چهارم	
سرمایه اجتماعی.....	۶۱
پیر بورديو و اشکال مختلف سرمایه اجتماعی.....	۶۴
جیمز کلنن و تبیین سرمایه اجتماعی.....	۷۱
گرانووتر و سرمایه اجتماعی شبکه.....	۷۴
دیدگاه بارت در مورد حفره‌های ساختاری.....	۷۷
فوکویاما و سرمایه اجتماعی مبتنی بر هنجارها.....	۸۲
رهیافت منابع اجتماعی نان لین.....	۸۵
رهیافت مدنی پوتنام نسبت به سرمایه اجتماعی.....	۸۸
پورترس و نقد پوتنام.....	۹۵
وولکاک و نارایان و پیوندهای خارج از شبکه.....	۹۶
گوشال و ناهاپیت و ابعاد سه‌گانه.....	۹۸

فصل پنجم

- ۱۰۰..... ابعاد سرمایه اجتماعی
- ۱۰۲..... اعتماد اجتماعی
- ۱۰۵..... هنجارهای اجتماعی
- ۱۰۷..... شبکه‌های اجتماعی

فصل ششم

- ۱۱۲..... رابطه ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی
- ۱۱۲..... رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی
- ۱۲۴..... رابطه هنجارهای اجتماعی و مشارکت سیاسی
- ۱۳۱..... ارتباط شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی
- ۱۳۸..... رابطه متغیرهای زمینه‌ای و مشارکت سیاسی
- ۱۴۳..... نتیجه‌گیری
- ۱۴۶..... منابع
- ۱۴۶..... منابع فارسی
- ۱۵۸..... منابع غیر فارسی

با توجه به اینکه قشر دانشجو پرسنگر و انتقادگر است این ویژگی موجب می‌شود که دانشجو به عنوان محور تحرکات اجتماعی شناخته شود. از منظر اجتماعی ویژگی زندگی دانشجویی عبارت است از دورافتادگی از خانواده، احساس گسیختگی و آزادی در انتخاب راه زندگی، زندگی دسته جمعی در خوابگاه‌ها و نظایر اینها. از سوی دیگر شکل تحصیلات دانشگاهی به صورت اجتماعی، تأثیر عمده‌ای در شکل‌گیری اعتراضات و جنبش‌های دانشجویی داشته است. زیرا در این محوطه‌های دانشگاهی دانشجویان به بازشناسی یکدیگر به عنوان یک گروه اجتماعی دست می‌یابند و از این طریق تناقضات و مسائل و مشکلات برای آنان به صورت یک امر مشترک آشکار می‌گردد. در جوامع بسته این امر آشکارتر است زیرا در این جوامع دانشگاه‌ها در حکم گسل‌های سیاسی اجتماعی هستند. در چند سال اخیر سرمایه اجتماعی در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی توسعه قابل توجهی به خود گرفته است. این مفهوم با تحلیل رفتارهای فردی، در پی حل مسائل جمعی است؛ بدین سبب سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر تبیین‌کننده در مسائل موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مورد توجه محققان قرار گرفته است. این موضوعات در برگیرنده مصادیق متعدد در زمینه‌های متفاوت می‌باشد. یکی از این مصادیق مشارکت سیاسی است. نه سرمایه اجتماعی در پی آن است که شهروندان بیگانه از سیاست را بسیج نموده و فعالیت‌های سیاسی آنان تحرک ببخشد. سرمایه اجتماعی به دلیل توضیح بسیاری از پدیده‌های مدرن ترانسته است جایگاه مهمی را در ادبیات علمی جهانی کسب نماید. در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی و سیاسی به نوعی از این مفهوم استفاده می‌شود و به همین دلیل سرمایه اجتماعی به یک مفهوم بین‌رشته‌ای تبدیل شده است. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی به یکی از بحث‌برانگیزترین و فعال‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و پژوهش‌های توسعه تبدیل شده است و حجم ادبیات دانشگاهی و سیاسی مرتبط با آن به سرعت در حال افزایش است. این مساله به ویژه در ایالات متحد امریکا و بریتانیا صادق است و یکی از دلایل وجود آن، ماهیت بسیار فردگرایانه روابط اجتماعی معاصر در این کشورهاست که به مسائلی همچون ازدواج‌های بی‌دوام، میزان زیاد جنایت، و از خود بیگانگی افراد منجر می‌شود. بنابراین سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیمی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی از طرف محققان در رشته‌های مختلف بخصوص به نقش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در مشارکت سیاسی و اثر آن بر توسعه جامعه شده است. سرمایه اجتماعی یک پدیده ژنتیکی و فکری نیست بلکه برخاسته از تجارب تاریخی مردم است و لذا همواره در معرض تغییر قرار دارد. شناسایی روند و میزان سرمایه اجتماعی در میان مردم جامعه و تأثیر آن بر روی عامل‌های

اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند کمک زیادی به مردم جامعه کند و از این مفهوم می‌توان به عنوان متغیر پیش بین برای متغیر مشارکت سیاسی در جامعه استفاده کرد. سرمایه اجتماعی به عنوان سازه یا مفهومی پیچیده و چند وجهی به مفهومی دلالت دارد که منبع اصلی زایش آن اجتماع یعنی حوزه تعاملات اجتماعی است. در هر جامعه خرده نظام اجتماع در ارتباط متقابل با سایر خرده نظام‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اصلی‌ترین منبع و قلمرو روابط و تعاملات اجتماعی توأم با احساس و عواطفی است که مولد تعهدات متقابل برای برقراری پیوندها و وصل کردن کنشگران به همدیگر و ایجاد اعتماد، همبستگی، انسجام و محیط گرم برای مشارکت در فعالیت‌های مختلف جامعه از جمله فعالیت‌های سیاسی در جامعه فراهم می‌کند. مشارکت سیاسی هم یکی اصطلاح‌هایی است که امروزه کاربرد زیادی دارد و با فاکتورهای تشخیص جامعه برای دموکراتیک بودن مورد استفاده قرار می‌گیرد. مشارکت سیاسی، دنیای امروز که مردم‌سالاری گفتمان غالب آن است و صورت‌های مختلف مشارکت، تریف کرده جوهره مردم‌سالاری هستند، موضوعی حائز اهمیت است. امروزه مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به امری گریز ناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم که گذار از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند به شکلی حساس‌تر خود را نشان می‌دهد. دولت‌ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن در دهند. از طرف دیگر، میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه‌طلبی و توسعه یافتگی فرهنگی سیاسی آن جامعه دلالت دارد. از منظر دینی، مشارکت سیاسی، فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف محسوب می‌شود. ارزیابی و ارزشی مطلوب برای دانشجویان و عموم جامعه است. از این رو بررسی نقش، جایگاه و کارکردای دانشجویان در نظام سیاسی و ضرورت بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌های دانشجویان در دوره‌های مهم می‌تواند یکی از شرایط اجتناب ناپذیر توسعه سیاسی و اجتماعی باشد. سیاسی بودن دانش و در حقیقت که در برابر سرنوشت خود و جامعه حساس باشد؛ نسبت به مسائل داخلی و خارجی و چالش‌های موجود از بینش و تحلیل سیاسی برخوردار باشد؛ از جمله ضرورت‌های حیات سیاسی دانشجویان و لازمه توسعه سیاسی است. همچنین تبیین کارکردهای دانشگاه به عنوان یکی از بخش‌های ساختار فرهنگی کشور و نقشی که دانشجو در این زمینه به عهده دارد به خوبی مبین ضرورت مشارکت سیاسی دانشجویان است. با توجه به این ضرورت‌ها است که فعالیت سیاسی دانشجویان به عنوان قشری نقاد، پرسشگر و آرمان‌خواه مورد مطالعه قرار داده می‌شود و اهمیت نقش دانشجویان را در تعیین سرنوشت کشور نشان می‌دهد. افراد در جوامع مختلف با

شرکت در فعالیت‌های سیاسی در نظام سیاسی کشور و رهبران خود تاثیر گذاشته و در تصمیم‌گیری‌ها دخالت می‌کنند.

در این راستا به نظر می‌رسد برای تبیین مشارکت سیاسی و اصولاً هر گونه رفتار سیاسی در کلی‌ترین سطح، دو دیدگاه رقیب وجود دارد: مکتب روان‌شناسانه و مکتب جامعه‌شناختی. در مکتب انتخاب عاقلانه که آنتونی داونز مهم‌ترین نظریه‌پرداز آن است، هر گونه رفتار سیاسی حاصل تصمیم فردی بازیگر است که به طور عاقلانه از میان گزینه‌های مختلف که در یک وضعیت خاص پیش روی اوست، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که به بهترین نحو اهداف او را تأمین می‌نماید. آنتونی داونز در چهارچوب مکتب انتخاب عاقلانه تبیینی تئوریک از رفتار رأی‌دهی مردم ارائه داده است که می‌تواند به برخی انواع دیگر مشارکت سیاسی نیز قابل تعمیم باشد. به لحاظ تئوریک در این دیدگاه هر فردی بر اساس محاسبه عقلانی عمل می‌کند و در جریان مبارزه انتخاباتی با ارزیابی دولتی که بر سر کار بوده و مقایسه آن با ادعاها و برنامه‌های احزاب مخالف و با در نظر گرفتن منافع که انتظار می‌رود از پیروزی این یا آن حزب نماید شخص او شود دست به گزینش می‌زند. رأی‌دهندگان انتخاب‌کنندگان عقلانی اند که شرکت در انتخابات را وسیله‌ای برای تأمین منافع شخصی خود تلقی می‌کنند. در این راستا، او چون معتقد است که نفع شخصی عقلانی فرد را وادار می‌کند که هزینه‌های مشارکت را در مقابل عمل جمعی را در مقابل منافع آن بسنجد. وی عقلانیت را عامل قوی برای مشارکت سیاسی می‌داند.

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندی، از گذشته‌های دور، به عنوان نتیجه انتخاب عقلایی افرادی ملاحظه گردیده است که دارای آگاهی، انگیزه و ظرفیت بالایی برای مشارکت بوده‌اند. تحقیقات تجربی عمدتاً بر تئوریات متغیرهای سطوح فردی بر مشارکت در فعالیت‌های سیاسی تمرکز کرده‌اند؛ این تحقیقات نشان می‌دهند افرادی که به لحاظ سیاسی علاقه‌مندتر، خوش‌بین‌تر و فعال‌تر هستند، بیشتر از دیگران به مشارکت سیاسی می‌پردازند. همچنین یافته‌های پیشین نشان می‌دهد افراد به این طریق کانال‌های اطلاعاتی بیناشخصی، آگاهی و دانش سیاسی بیشتری کسب می‌کنند. سایر افراد دیگر به مشارکت سیاسی دست می‌زنند؛ و سرانجام اینکه افرادی که پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری دارند، مشارکت بیشتری در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی داشته‌اند. در این میان یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای تاثیرگذار بر مشارکت از قبیل منابع انگیزشی، اطلاعاتی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی دارای روابط درونی پیچیده‌ای با یکدیگر هستند و این متغیرها از طریق تعدیل همدیگر بر روی تمایل به مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارند.

اما به نظر می‌رسد تبیین مشارکت سیاسی در سطح فردی با چالش‌ها و تناقضات بسیار زیادی روبرو می‌باشد. از یک طرف، علیرغم توسعه سطح آموزش رسمی و آگاهی سیاسی در کشورهای مختلف، حوزه سیاسی با چالش شدید جذب مشارکت‌کنندگان، مخصوصاً افراد با انگیزه و فعال، روبرو است. از طرف دیگر، از چشم‌انداز انتخاب عقلایی، مشارکت سیاسی در عمل به عنوان یک اقدام غیرعقلایی ملاحظه می‌گردد. شاید یک علت این امر از دیدگاه نظریه پردازان انتخاب عقلایی این است که از یک طرف هزینه مشارکت معمولاً بالا است و از سوی دیگر منافع و مزایای مشارکت به شکلی جمعی توزیع می‌شود و بدین ترتیب افراد می‌توانند به جای سرمایه‌گذاری منافع خویش از سیاست «سواری مجانی» استفاده کنند.

بنابراین محققان و اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی سعی کرده‌اند تا مکانیسم‌های دیگری را جستجو کنند که بتوانند فرآیندهای پیچیده و بگرنج مشارکت سیاسی را به شکلی مطلوب تر عرضه و تبیین نمایند. در این راستا به نظر می‌رسد بسترها و عوامل اجتماعی‌ای که تصمیمات و رفتارهای افراد در درون آنها شکل می‌گیرد نقش مهمی در مشارکت سیاسی افراد اتر می‌کند. برای مثال، اوهلانر^۱ معتقد است که انگیزه افراد برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی می‌تواند توسط آگاهی‌های اجتماعی که باعث تحدید خودخواهی افراد می‌شود، تعدیل گردد. وربا^۲، شولزمن^۳ و برادی^۴ با تعدیل منابع فردی و ارائه مدل اراده‌گرایی مدنی که مناسبت به بررسی شبکه‌های روابط اجتماعی می‌پردازد، بر اهمیت نقش این گونه شبکه‌ها در بسیج سیاسی مردم تأکید می‌کنند. همچنین فضای شبکه‌ها و روابط اجتماعی به عنوان یک عامل تأثیرگذار مهم بر جریان آگاهی سیاسی، به نوبه خود تأثیر زیادی بر روی مشارکت سیاسی بر جای می‌گذارد. تجزیه و تحلیل ارائه شده در کتاب «صدا و برابری» میزان بی‌سابقه‌ای از اطلاعات تجربی در مورد ماهیت مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. وربا و همکاران در این کتاب یک مدل منبع مشارکت سیاسی را که فراتر از مدل‌های سنتی پیگما اجتماعی-اقتصادی و انتخاب عقلانی است، بسط دادند. برخلاف نظریه‌های انتخاب عقلانی، آن‌ها استدلال می‌کنند که تفاوت‌های در خور توجهی در انواع خاصی از مشارکت، بویژه در میان نژادها و طبقات اجتماعی مختلف وجود دارد. آن‌ها دریافتند که منابع تولید شده توسط فعالیت‌های غیر سیاسی، از جمله ارتباطات و مهارت‌های سازمانی به‌دست

^۱. Uhlaner

^۲. Verba

^۳. Schlozman

^۴. Brady

آمده از طریق شرکت در انجمن‌های داوطلبانه، برای مشارکت سیاسی مفید هستند. وربا و همکارانش به این نکته اشاره دارند که شرکت در انجمن‌های داوطلبانه غیرسیاسی به سه روش مشارکت سیاسی را تسهیل می‌کنند: اولاً، شرکت در انجمن‌های داوطلبانه غیرسیاسی فرصت‌هایی را برای مردم به منظور توسعه مهارت‌های سازمانی و ارتباطی مرتبط سیاسی فراهم می‌کند. دوم اینکه، شرکت در انجمن‌های غیرسیاسی داوطلبانه مردم را در معرض پیام‌های سیاسی و بحث‌های سیاسی که به مشارکت سیاسی منجر می‌شود، می‌گذارد. سوم اینکه، طبق نظر وربا و همکارانش انجمن‌های داوطلبانه غیر سیاسی به‌عنوان عاملی برای جذب درسیج سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

همانطور که شرکت در انجمن داوطلبانه غیر سیاسی بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد، تأثیرات ابعاد دیگر سرمایه‌اجتماعی نیز به همین گونه است. بسیاری از محققان معتقدند که مفهوم سرمایه اجتماعی بر نقش‌های، اعتماد اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات این منابع بر بازیگران اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشاره دارد. نخستین بار رابرت پوتنام فرد که سرمایه اجتماعی را به تعاملات مدنی و مشارکت سیاسی ارتباط داد. او توضیح کرد که یک رابطه قوی بین وجود انجمن‌های داوطلبانه و کیفیت زندگی در جوامع وجود دارد. او استدلال کرد شرکت در انجمن‌های داوطلبانه، به تولید منافع فردی و جمعی منجر می‌شود. وی مدعی شد که این منافع فردی و جمعی نتیجه مستقیم سرمایه اجتماعی است. او سرمایه اجتماعی را به‌عنوان "شبکه‌های اجتماعی و چهاره‌ای روابط متقابل و قابلیت اعتماد" تعریف کرد و نشان داد جوامعی که دارای سطح بالایی از سرمایه اجتماعی هستند، ساختارهای سیاسی مؤثرتر و نخبگان سیاسی پادشاهی دارند. پوتنام همچنین نشان داد که ساکنان جوامع با سرمایه اجتماعی بالا در سطوح بالاتری از مشارکت سیاسی عمل می‌کنند. فوکویاما نیز سرمایه اجتماعی را در رابطه با توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرد و در پاسخ به این سؤال که چرا برخی کشورها موفقیت بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند، ادعا می‌کند که در این کشورها سطوح بالای سرمایه اجتماعی، صداقت و اعتماد، افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می‌کند.

بنابراین، به نظر می‌رسد تغییر توجه به سمت عوامل اجتماعی به این دلیل صورت گرفته است که علیرغم سطوح متفاوت مشارکت سیاسی، عوامل انگیزشی و فردی صرفاً بر بخشی

محدود از آن تاکید می‌کنند؛ این در حالی است که مشارکت سیاسی هنگامی می‌تواند بهتر درک شود که بر عوامل جامعه‌محور تاثیرگذار بر فرآیند بسیج سیاسی نیز تاکید شود.

www.ketab.ir